

رابطه انکار و تردید با جعل* (در حقوق دادرسی مدنی)

احمد مرتاضی**
فرید سلیمانیاں***

چکیده

از نگاه حقوق دادرسی مدنی، سند یکی از پرکاربردترین ادله اثبات دعواست که اثبات مدعی خواهان از طریق آن، مشروط به تحقق اصالت در ماهیت آن می‌باشد. به نحوی که هر گونه خدشه قانونی در اعتبار و حجیت سند، وجود و ارائه آن را بی‌اثر خواهد ساخت. از این میان، اظهار انکار و تردید و ادعای جعل بعنوان یکی از طرق واکنش در قبال سند ابرازی نسبت به اصالت سند می‌باشد. از این رو در این مقاله، ابتدا تعاریفی در مورد سند، انکار، تردید و جعل به عمل آمده تا مخاطب با مفهوم سند و شرایط آن بهتر و بیشتر آشنا شود و در نهایت به بررسی وجوه افتراق و اشتراک انکار و تردید، با ادعای جعل در حقوق دادرسی مدنی پرداخته شده تا هر یک از اصحاب دعوی از حقوق و تکالیف خود تا اولین جلسه دادرسی آگاه شوند و در دادرسی و روند آن، بهتر بتوانند حقوق و تکالیف خود را اعمال کنند.

واژگان کلیدی: سند، سند عادی، سند رسمی، انکار، تردید، جعل.

* تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۵
** استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه تبریز
*** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تسوج
a.mortazi@tabrizu.ac.ir
farid_s274@yahoo.com

مقدمه

مدعی در دعوایی که اقامه می‌کند باید منشاء و مظهر حق مورد مطالبه خود را قید کند، مثلاً: اگر مطالبه نفقه نموده است باید با ارائه دلیل و مدرک، مثل سند رسمی نکاح، مورد ادعا را ثابت نماید تا به تبع آن بتواند نفقه درخواستی خود را از خواننده مطالبه کند.

منظور از دلایل محکمه پسند ادله‌ای است که قانون‌گذار آن را برای اثبات ادعا پذیرفته است. استفاده از سند سابقه طولانی بعنوان دلیل در ایران دارد، در ایران قبل از اسلام توسل به سند معمول بوده است چرا که پاره‌ای از عقود که در قالب سند انجام می‌گرفته و برای تعیین مساحت اراضی زیرکشت سند تنظیم می‌نمودند. با استقرار حاکمیت اسلام و پیوند اصول و قواعد به وحی (آیات ۲۷۹ الی ۲۸۲ سوره بقره) باب استفاده از سند را در روابط حقوقی می‌گشاید و توصیه می‌نماید که به هنگام قرض گرفتن نوشته‌ای تنظیم کنید و نویسنده‌ای عادی آن را بنویسد و بدهکار آن را تقریر کند، باید بدون کم و کاست بنویسد. اصل آیه و ترجمه تحت‌اللفظی آیه به چند نکته اساسی در روابط اجتماعی و اقتصادی اشاره می‌کند و می‌تواند مطالب مطروحه در کلیه جوامع مورد استفاده قرار گیرد و تا حدود زیادی از مشکلات مربوط به دادرسی‌های قضایی را حل کرده و حتی از بروز مشکلات مالی در بین اجتماعات بکاهد و از طرفی باید گفت امانت را نیز در بر می‌گیرد مفهوم آیه، که آن امانت ممکن است عین باشد یا دین.

در ایران اسلامی به صور مختلف سند مبنای معاملات و دلیل محاکمات بوده و راه تکامل را تا به امروز پیموده است. بنابراین ملاحظه می‌شود که نه تنها خواهان یا مدعی باید با استناد به دلیل ادعای خود را ثابت کند، خواننده یا مدعی علیه نیز در مقابل دفاع

از خویش باید از ادله‌ای که دادگاه می‌پسندد استفاده نماید، از این رو چون سند اعم از عادی و رسمی است طرفین دعوی در مقابل یکدیگر تا موعد معین، توسط قانون‌گذار به اسناد ارائه شده یکدیگر حق تعرض پیدا می‌کنند. این تعرض در قالب اظهار انکار و تردید و ادعای جعل متصور است و نوعی دفاع شکلی، از این رو در این مقاله سعی شد وجوه افتراق و اشتراک اظهار انکار و تردید با ادعای جعل در اسناد ابرازی طرفین دعوی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی تبیین گردد:

۱- تعاریف

در این قسمت به بیان و تعریف سند، انکار، تردید و جعل در لغت و اصطلاح حقوقی می‌پردازیم:

۱-۱- سند

از دیدگاه فرهنگ لغات فارسی: سند عبارت است از تکیه گاه، آنچه پشت بدو دهند (فرهنگ دهخدا؛ به نقل از حقیقت، ۱۳۹۱: ۱۷) و همچنین نوشته‌ای که قابل اعتماد باشد مدرک، مستند (فرهنگ مشیری؛ به نقل از حقیقت، ۱۳۹۱: ۱۷) و چیزی که به آن اعتماد کنند. نوشته‌ای که وام یا طلب کسی را معین سازد یا طلبی را ثابت کند جمع آن سندات یا اسناد است (فرهنگ عمید؛ نقل از حقیقت، ۱۳۹۱: ۱۷) و از دیدگاه حقوق عمومی سند نوشته‌ای است که در اثبات مطلبی به کار رود، از دعاوی و غیردعاوی. در قدیم به سند پته، فته، حجت و وثیقه هم گفته‌اند. و لذا در فرهنگ‌ها، حجج و وثایق به معنی دلیل و اسناد آمده است.

در قدیم علم نگارش اسناد را علم الشروط می‌نامیدند و نویسندگان اسناد را شروطیان می‌خواندند و سند دولتی را سند دیوان می‌گفتند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰

۸۵۹) و در اصطلاح فقه اسلامی از دیدگاه علم حدیث سند در نزد اهل حدیث عبارت از طریق است. و جمله کسانی باشند که روایت کنند و طریق اخبار و روایات را از این جهت سند گویند که اعتماد علما در صحت و صدور آنهاست. روایت یک حدیث را در اصطلاحات علوم راجع به فقه سند گویند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۳۶۴)

سند در اصطلاح حقوقی طبق ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی عبارت است از اینکه: هر نوشته‌ای که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد. با توجه به این تعریف باید گفت کلمه «کتبی» که بعد از کلمه «اسناد» در بند ۲ ماده ۱۲۸۵ قانون مدنی آمده است و در آن بند «اسناد کتبی» از دلایل اثبات دعوی دانسته شده است، زاید است، چرا که وقتی منظور از سند نوشته‌ای باشد که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد چنان که ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی می‌گوید و دیگر نیازی به آوردن کلمه کتبی بعد از کلمه اسناد نیست. (شایگان، ۱۳۹۳: ۱۳۲)

۱-۲-۲-انکار

انکار در لغت به معنی اظهار عدم شناسایی و نیز نفی چیزی است و در اصطلاح آیین دادرسی مدنی کسی که سندی علیه او ابراز شود و او مهر یا امضاء یا اثر انگشت منتسب به خود را نفی کند و آنها را از خود نداند این عمل را انکار (انکار سند) می‌نامند و گاهی به جای انکار اصطلاح عبارت تکذیب سند هم به کار می‌رود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۹۶)

۱-۳-۳-تردید

تردید در لغت به معنی شک است و در اصطلاح حقوق دادرسی کسی که در دعوی علیه او سند عادی اعم از تجاری و غیرتجاری ابراز شود و سند منتسب بخود او

نباشد می‌تواند به آن از حیث صحت و سقم انتساب به صادر کننده آن سند، اظهار شک و تردید کند مانند سندی که علیه خوانده دعوی به استناد اینکه از مورث او صادر شده ابراز شود. در مقابل انکار و تکذیب استعمال می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۱۴۷)

۱-۴- جعل

منظور از ادعای جعل در اصطلاح حقوق این است که طرف مدعی می‌شود که سند ابرازی ساختگی است، برخلاف حقیقت می‌باشد و مثلاً امضاء ذیل آن را ساخته‌اند و یا متن سند یا امضاء آن را با تراشیدن، قلم بردن یا الحاق یا تقدیم و تاخیر تاریخ و نظایر آن مرتکب جعل شده‌اند به عبارت دیگر مدعی اظهار می‌دارد که سند به قصد تقلب ساخته شده است یا اینکه می‌گوید: در اصل، سندی وجود داشته اما نه به شکل و وصفی که ارائه شده بلکه کلماتی به آن افزوده‌اند و یا در عبارات آن تغییراتی داده و برای مثال، تاریخ آن را عوض نموده‌اند، یعنی در ادعای جعل، به انکار و نفی سند اکتفا نمی‌گردد بلکه از وضعیت متقلبانه آن اعلام اطلاع می‌شود به همین مناسبت نقطه مقابل انکار و تردید است زیرا در آنجا صاحب سند می‌بایست اصالت آن را ثابت نماید و جعل در لغت یعنی قرار دادن، وضع نمودن. (مدنی، ۱۳۸۶: ۱۷۶)

جعل بفتح جیم را تزویر و وضع معنی می‌کنند و مزور و وضاع به معنی جاعل است. همه آنها به معنی ساختن امری است از روی قصد و برخلاف واقع مانند سند مجعول و سکه قلب و نحوه اینها. در اصطلاح جرم جعل که ابتداً عنصر اول جرم افترا (سوء نیت)، در این مورد وجود دارد و به جای عنصر دوم افترا (علم و عمد داشتن از ماهیت اتهام آور بودن اشیاء و ادوات)، در این مورد اسناد جنحه و جنایت و هر امر دیگر که موجب اضرار یا تشویش اذهان باشد قرار می‌گیرد و به جای عنصر سوم افتراء

(در افترا شخص معینی مد نظر است) در این جرم اسناد به شخص یا اشخاص معین مورد نظر نیست بلکه اعم از آن است. به جای عنصر چهارم افتراء (قصد متهم نمودن) قصد اضرار و تشویش اذهان در این جرم نهاده شده است. بنابراین ظاهراً جرم جعل اکاذیب به حسب مورد اعم از افتراء به نظر می‌رسد ولی برای احتراز از اسناد لغو به مقنن باید مورد افترا را از مفهوم جرم جعل اکاذیب خارج کرده و باقی مانده را اختصاص به این جرم داد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۱۹۶)

۲- سند از نظر ارزش

ارزش اسناد از نظر اداری (به طور مطلق آمده و نه مقید) منوط به اطلاعاتی است که در هر سند برای اداره ایجاد کننده در بایگانی وجود دارد و لذا بنا به تعریف مذکور هر سند می‌تواند دارای ارزش‌های اداری و بایگانی به شرح زیر باشد:

الف: ارزش اولیه (اداری یا اسنادی) ارزش از نظر ایجاد کننده آن که از نظر زمانی در مرحله جاری و نیمه جاری است مانند اسناد اداری، مالی، حقوقی و...

ب: ارزش ثانویه (بایگانی یا اطلاعاتی) ارزش از نظر محققان و پژوهشگران و آرشیویست‌ها.

زمانی که کلیه اقدامات لازم بر روی سند انجام شده باشد و فعالیت یا عملی که منجر به ایجاد آن گردیده تمام و کامل شود و در صورتی که وفق قانون مطروحه نبوده و همچنین مورد نیاز دستگاه یا فرد ایجاد کننده آن نباشد ارزش اولیه سند پایان می‌پذیرد و سند دارای ارزش ثانویه می‌گردد. (حقیقت، ۱۳۹۱: ۳۸)

از این رو اسناد از نظر درجه اعتباری که به آنها داده می‌شود بر دو نوع است:

۱- سند رسمی ۲- سند عادی.

۲-۱-۱- سند رسمی

سند رسمی نوشته‌ای است که به وسیله یکی از ماموران دولتی در حدود صلاحیت آنها بر طبق مقررات مربوطه تنظیم شود. ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی سند رسمی را تعریف کرده و می‌گوید: «اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مامورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانون تنظیم شده باشند رسمی است.»

از تعریف فوق الذکر معلوم می‌گردد قانون برای سند رسمی سه شرط اساسی قائل

شده است:

۱- تنظیم سند به وسیله مامور رسمی

۲- صلاحیت مامور در تنظیم سند

۳- رعایت مقررات مربوط به تنظیم سند (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۳۴۲)

۲-۱-۱-۱- شرایط تنظیم سند رسمی

۲-۱-۱-۱-۱- تنظیم به وسیله مامور رسمی

در صورتی سند رسمی است که مستقیماً به وسیله مامور رسمی در مدت ماموریت او تنظیم شود. مامور رسمی کسی است که از طرف مقامات صلاحیت‌دار کشور برای تنظیم سند رسمی معین شده است خواه از مستخدمان دولتی باشد یا غیر آنها مانند سردفتران اسناد رسمی که وابسته به وزارت دادگستری‌اند. (امامی، جلد ۶، ۱۳۸۵: ۷۶) منظور از تنظیم سند به وسیله مامور رسمی این است که مامور در حین تنظیم سند حداقل حضور داشته باشد که بتواند دقیقاً مراتب اعمال تنظیم سند شود تا سند رسمی معتبر شود.

اگر سند به وسیله ماموری که از خدمت معلق یا منفصل شده یا محل ماموریتش تغییر یافته است یا در مرخصی باشد، تنظیم شود رسمی محسوب نمی‌شود. اگر چه کسی از مامور رسمی نبودن او آگاه نباشد، زیرا نامبرده سمت خود را از دست داده است. اما اگر پس از صدور حکم تعلیق یا انفصال یا تغییر محل ماموریتش و پیش از ابلاغ آن به وی سندی تنظیم شود رسمیت دارد اگر چه نامبرده به طور غیرمستقیم از موضوع آگاه باشد، چه احکام فقط پس از ابلاغ رسمی می‌تواند موثر باشد.

چنان که مامور رسمی بدون احراز شرایط لازم و برخلاف قانون به کار منصوب شود و سندی تنظیم کند سند رسمی محسوب می‌شود، چرا که صلاحیت از انتصاب به مشاغل (طبق حکم) ناشی می‌شود نه از قابلیت احراز آن مثلاً: اگر کسی بدون داشتن سن قانونی یا تابعیت ایرانی اشتباهاً به سردفتری منصوب شود و سندی تنظیم کند این سند رسمیت دارد. (صدرزاده افشار، ۱۳۶۹: ۷۰)

۲-۱-۱-۲- صلاحیت مامور در تنظیم سند رسمی

وقتی که مامور رسمی قانوناً صلاحیت تنظیم سند را داشته باشد می‌تواند مبادرت به آن کند. اما گاهی ممکن است قانون به علل شخصی او را از تنظیم برخی اسناد ممنوع کند مثلاً به موجب ماده ۵۳ قانون ثبت مسئول دفتر نمی‌تواند اسنادی را که به منفعت خود یا کسانی که در تحت ولایت یا قیمومت او واقع‌اند یا با او قرابت نسبی تا درجه چهارم یا سببی تا درجه سوم دارند و یا در خدمت او هستند ثبت کند.

این مطلب بعداً در ماده ۳۱ قانون دفاتر اسناد رسمی و قانون سردفتران و دفترداران مصوب ۲۵ تیرماه ۱۳۵۴ به این صورت بیان شده است: {سردفتر و دفترداران نباید اسنادی را که مربوط به خود یا کسانی تحت ولایت یا وصایت یا قیمومت آنها

هستند و یا با آنها قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم دارند یا در خدمت آنها هستند ثبت کنند. (قانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۲۵ تیرماه ۱۳۵۴).

و در صورتی که در محل، دفترخانه دیگری نباشد سند با حضور دادستان شهرستان محلی که دفترخانه در حوزه آن واقع است یا رئیس دادگاه بخش یا نماینده آنها با توضیح مراتب در ذیل آن در همان دفترخانه تنظیم و ثبت خواهد شد. حال اگر سردفتر بدون رعایت مراتب مذکور مبادرت به تنظیم سند کند، سند نامبرده رسمیت نخواهد داشت و مطابق ماده ۱۲۹۳ قانون مدنی در حکم اسناد عادی خواهد بود.

چه ممنوعیت سردفتر از ثبت اینگونه اسناد به سبب عدم اهلیت قانونی او در انجام آن است و این امر حق ثبت سند را در آن مورد از او سلب می‌کند و در صورتی که سندی تنظیم کند، رسمی نخواهد بود.

گاهی ممکن است دفاتر اسناد رسمی برای انجام برخی معاملات مهم از طرف وزارت دادگستری اجازه مخصوص داشته باشند. مثلاً ماده ۲۴ قانون دریایی مصوب ۲۹ شهریور ماه ۱۳۴۳ مقرر می‌دارد: {ثبت کلیه انتقالات و معاملات و اقاله راجع به عین کشتی‌های مشمول این قانون و همچنین منافع آنها، در صورتی که مدت آنها زائد بر دو سال باشد، در داخل کشور اجباری است و منحصرأ وسیله دفاتر اسناد رسمی که برای این کار از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اجازه مخصوص دارند، انجام می‌شود.}

صلاحیت مامور رسمی بر دو گونه است:

۱- صلاحیت ذاتی ۲- صلاحیت محلی

۱- صلاحیت ذاتی مامور: سند در صورتی رسمی شناخته می‌شود که مامور در تنظیم

آن صلاحیت ذاتی داشته باشد و منظور از آن، صلاحیت مامور در نوع امری است که

به او واگذار شده است. مثال: مامور ثبت احوال تنها صلاحیت تنظیم سند سجلی را دارد و نمی‌تواند قراردادهای خصوصی را در مورد معاملات تنظیم کند، چه اختیار تنظیم آنها به عهده وی واگذار نشده است. گاهی ممکن است استثنائاً برای انجام امر واحدی دو دسته از مأموران صلاحیت داشته باشند. مثلاً: تنظیم اسناد سجلی به وسیله مامور ثبت احوال و مأموران کنسولی، یا تنظیم صلح نامه به وسیله سردفتر و دادگاه، یا تنظیم وصیتنامه نزد سردفتر و نزد ناخدای کشتی. (صدرزاده افشار، ۱۳۶۹: ۷۱)

۲- صلاحیت محلی مامور: صلاحیت مامور رسمی ناشی از شخصیت او نیست، بلکه منحصرأ ناشی از انتصاب او به آن امر است، از این رو ماموری که در ناحیه معینی به آن منصوب شده است اصولاً در خارج از حوزه آن محل هیچگونه سمت و صلاحیتی ندارد در صورتی که مبادرت به تنظیم سند کند، رسمیت نخواهد داشت.

صلاحیت محلی سردفتران را نیز ماده ۸۳ قانون ثبت مصوب ۱۳۱۰ پیش‌بینی کرده که تعیین آن را به آیین‌نامه واگذار کرده است. و در اوایل تشکیل سازمان ثبت اسناد و دفاتر را به نواحی معینی اختصاص داده بودند و هر سردفتری می‌توانست فقط معاملات مربوط به ناحیه خود را ثبت کند. اما پس از چندی دیدند که انجام این امر برای مراجعه کنندگان دشواری‌هایی فراهم می‌کند از این رو صلاحیت محلی آن را ملغی‌الاثرب کردند و اکنون دفاتر اسناد رسمی می‌توانند معاملات مربوط به همه نقاط کشور را ثبت کنند.

ماده ۲۲ قانون دفاتر اسناد رسمی می‌گوید: {دفترخانه محلی است که سردفتر برای انجام کار وظایف دفتری خود تعیین و به اداره ثبت محل و ثبت اسناد مرکز اطلاع می‌دهد. سایر شرایط دفترخانه و اوقات کار، طبق آیین‌نامه وزارت عدلیه خواهد بود.}

استنباط می‌شود محل دفترخانه ثابت است و سردفتران نمی‌توانند محل کار خود را تغییر دهند. ماده ۱۳ آیین نامه دفتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶ نیز مقرر می‌دارد: {سردفتران بدون احکام و اجازه اداره ثبت نمی‌توانند محل کار خود را تغییر دهند.} از این رو محل کار آنان ثابت است و نمی‌توانند دفتر کار خود را از شهری به شهری یا از محلی به محلی انتقال دهند.

۲-۱-۱-۳- رعایت مقررات مربوط به تنظیم سند

اسناد رسمی با رعایت پاره‌ای تشریفات قانونی تنظیم می‌شوند. این تشریفات برای هر نوع از اسناد رسمی به وسیله قانون معین شده است و در صورت عدم رعایت آن، سند رسمیت خود را از دست می‌دهد. عدم رعایت برخی تشریفات نیز سند را از رسمیت نمی‌اندازد، فقط ممکن است برای مامور تخلف اداری محسوب شود.

پاره‌ای تشریفات میان اسناد رسمی مشترکند به طور کلی این تشریفات عبارتند از: الف: تشریفات که عدم رعایت آن سند را از رسمیت نمی‌اندازد. ماده ۱۲۹۴ قانون مدنی می‌گوید: «عدم رعایت مقررات راجع به تمبر بحق تمبر که به اسناد تعلق می‌گیرد سند را از رسمیت خارج نمی‌کند.» (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ماده ۱۲۹۴)

سندی که در ظاهر شرایط اساسی قانون راداشته باشد رسمی تلقی می‌شود، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود و این امر را می‌توان به وسیله هرگونه دلیلی ثابت کرد.

ب: تشریفات که عدم رعایت آن، سند را از رسمیت می‌اندازد:

چنانچه گذشت هر گاه در تنظیم سند تمام تشریفات را که قانون و یا آیین نامه‌ای که به دستور قانون تهیه شده در تنظیم سند لازم بدانند، رعایت شود سند رسمی محسوب می‌شود مگر آنکه قانون صریحاً متذکر شود که عدم رعایت یکی از تشریفات

معینه سند را از رسمیت نمی‌اندازد مانند: مقررات راجع به تمبر مذکور در ماده ۱۲۹۴ قانون مدنی. سندی که در ظاهر دارای شرایط اساسی قانونی می‌باشد رسمی فرض می‌گردد تا آنکه ثابت شود که یکی از شرایط اساسی را فاقد است، ادعا مزبور به وسیله هر نوع دلیلی قابل اثبات می‌باشد. (امامی، جلد ۶، ۱۳۸۵: ۷۹)

دلیل طبق ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی عبارت است از امری که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌نمایند. (قانون مدنی ماده ۱۹۴)

۲-۲- سند عادی

اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مامورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم نشده باشند، سند عادی محسوب می‌شوند.

از این رو باید متذکر شد، که چون تنظیم سند رسمی مستلزم رعایت تشریفات خاصی است، افراد جامعه بیشتر در روابط خود سند عادی تنظیم می‌کنند و قانون نیز کسی را ملزم به تنظیم سند رسمی نمی‌کند مگر در موارد استثنایی که مصلحتی ایجاب کند تنظیم آن اجباری می‌شود مانند ازدواج، طلاق و رجوع و معاملات راجع به املاک و حقوق مربوط به آن.

عدم رعایت تشریفات قانونی در اسناد عادی، اصولاً نوشته خصوصی اگر به وسیله طرف امضاء شود تابع هیچ گونه شرط دیگری نیست. ممکن است به زبان فارسی یا زبان دیگری باشد با قلم یا ماشین تحریر یا هر وسیله یا ماده رنگی دیگر نوشته یا چاپ شده باشد، به وسیله الفبای معمولی نوشته شده یا در نوشتن آن الفبای خاصی بکار رود.

قید تاریخ و نگارش آن اجباری نیست. خواندن سند پیش از امضاء الزامی نیست. با وجود این قانون در موارد معینی اسناد عادی را نیز تابع مقررات خاصی می‌کند. از این قبیل است وصیت نامه خود نوشت که برابر ماده ۲۷۸ قانون امور حبسی در صورتی معتبر است که تمام آن به خط موصی نوشته شده و در آن تاریخ روز، ماه، سال به خط موصی بوده و به امضای او رسیده باشد همچنین، اوراق تجارتمی (چک، برات و سفته) که باید به ترتیب مقرر در قانون تجارت نوشته شده باشند.

به طور کلی باید گفت امضای سند عادی یکی از شرایط اصلی سند عادی به وسیله طرف است و تا نوشته‌ای امضا شود اعتباری ندارد و سند محسوب نمی‌شود. امضا شرط لازم یک سند عادی است، در نتیجه وقتی که صاحب سند نتواند اصل آن را ارائه دهد، رونوشت سند نمی‌تواند هیچ گونه اعتباری داشته باشد و به جای آن به کار رود.

برای تائید انتساب مجموع مندرجات سند به صاحب امضا نامبرده باید ذیل سند را امضا کند و افزودن یا قلم بردن در حاشیه سند نیز انتساب مندرجات سند به صاحب امضا نامبرده باید ذیل سند را امضا کند و افزودن یا قلم بردن در حاشیه سند نیز گرچه امضا یا پاراف نشده باشد معتبر است. از این رو وقتی که تراشیدگی یا خراشیدگی، قید در حاشیه، قلم بردن یا الحاق پس از تحریر سند به وسیله یکی از طرفین و بدون اطلاع دیگری نباشد، کلمات قلم خورده به حساب نمی‌آید و کلمات اضافه شده در حاشیه یا میان سطرها حساب می‌شود.

یعنی کلمات قلم خورده باطل محسوب می‌شود اما این نکته اماره‌ای بیش نیست و در صورتی که خراشیدگی، قید در حاشیه و غیره مورد تائید طرف نباشد اثبات خلاف آن جایز است. در این حالت مسئله بار اثبات هنوز به طور قطعی حل نشده است. به

نظر برخی اگر طرف دعوی خراشیدگی، اضافه یا الحاق کلمات را تائید نکند دادرس ماهوی که در ارزیابی آن آزادی مطلق دارد می‌تواند کلمات مورد اختلاف را به حساب نیاورد. (صدرزاده افشار، ۱۳۶۹: ۹۲)

۲-۳- افتراق سند رسمی و عادی از جهت جوانب اثبات و ثبوت

سند رسمی خودش، خودش را اثبات می‌کند. هم مفاد آن را و هم تاریخ آن را و هم امضاهای آن را، و به دلیل دیگری برای اثبات آن نیاز نیست بنابراین سند رسمی هم واجد جنبه ثبوتی حق است و هم واجد جنبه اثباتی حق، این معنی از سند رسمی آن را در عرض حکم قطعی و حکم نهایی قرار می‌دهد و می‌توان گفت که دارنده سند رسمی معاف از اقامه دعوی است.

در صورتی که سند عادی به طور کامل دارای دو جنبه از حق اثبات و ثبوت نیست. زیرا در میان راه اثبات، خود محتاج به دلیل دیگری خواهد بود و اگر مورد انکار و تردید طرف واقع شود و یا مواجه با ادعای جعلیت سند گردد و شخص صاحب سند نتواند دلیل قوی بر اصالت سند و رد ادعای طرف، اقامه کند این احتمال وجود دارد که سند او از عداد دلایل خارج شود و در نهایت در دعوای خود محکوم شود و به این ترتیب، سند عادی، فاقد جنبه ثبوتی حقی که در آن آمده است نیز خواهد بود. البته باید دانست که این امتیاز رسمی بر سند عادی مانع از ادعای بی‌اعتباری سند رسمی خواه به ادعای جعل خواه به ادعای عذر موجه نیست.

۳- طرق واکنش طرف در مقابل سند

طرفی که علیه او سند ابراز می‌شود به یکی از حالات ذیل می‌توانست به سند ابرازی از خود واکنش نشان دهد.

۳-۱- تصدیق صریح یا ضمنی سند

یعنی به صحت و اصالت سند ایرادی ندارد {مثلاً:} {در مقابل یک برگ سند عادی که ضمیمه دادخواست خواهان می‌باشد، و حاکی از دین خوانده به مبلغ یکصد هزار ریال است خواند دفاع می‌کند بدهی را نمی‌توانم پرداخت کنم یعنی ضمناً به صحت سند اقرار می‌کند یا می‌گوید سند صحیح است ولی به من مهلت بدهید که در این صورت هم صریحاً سند را تأیید می‌کند یا می‌گوید من سندی ندادم ولی قبول دارم که یکصد هزار ریال را به او مدیونم در این صورت گرچه سند را تکذیب کرده و با اعتراضی که نسبت به دین دارد نیازی به اثبات اصالت سند نیست. زیرا دلیل محکمتری که اقرار باشد جای سند را می‌گیرد مگر این که روابط مالی دیگری بین طرفین باشد که معلوم شود موضوع سند را پذیرفته که باید به دنبال رسیدگی به اصالت سند بود.} طبق ماده ۱۲۸۸ قانون مدنی: (مفاد سند در صورتی معتبر است که مخالف صریح قانون نباشد. طبق قانون مطالبه ربا حرام و ممنوع است حال اگر سند حاکی از چنین رابطه‌ای باشد مفاد آن به علت مخالفت با قوانین معتبر نمی‌باشد.) {در مقابل آن سکوت می‌کند، یا درستی آن را تصدیق می‌نماید و اگر نسبت به ماهیت دعوی هم حرفی نداشته باشد دعوی به نفع صاحب سند پایان می‌پذیرد. (مدنی، ۱۳۸۶: ۱۷۰).

۳-۲- اعتراض نسبت به مفاد سند

در این شکل هم، نسبت به صحت و اصالت سند ایرادی نیست یا اصولاً یا ضمناً آن را تصدیق دارد ولی دفاع را در ماهیت متمرکز می‌سازد مثلاً می‌گوید: تعهداتی که در سند هست انجام شده و پایان پذیرفته و دیگر موردی بر استناد آن سند نیست یا مدعی می‌شود که مفاد سند برخلاف قانون است و از این جهت معتبر نمی‌باشد.

۳-۳-۳-۱ اعتراض به صحت و اصالت سند

در این حالت طرفی که علیه او سند ابراز شده آن را تکذیب می‌کند و یا نسبت به آن ادعای جعل دارد. تکذیب فقط در مقابل اسناد عادی جایز است ولی در مقابل ادعای جعل هم در مورد اسناد عادی و هم نسبت به اسناد رسمی مسموع است و چنین واکنشی در مقابل سند مسئله رسیدگی به اصالت و جعلیت را مطرح می‌سازد.

۳-۳-۴-۱ اعتراض به صحت و اصالت سند و استرداد آن

ممکن است صاحب سند در مقابل اعتراض طرف به صحت و اصالت سند آن را استرداد نماید، استرداد ممکن است، دلایل و جهات مختلف داشته باشد و مواردی هم هست که ابراز کننده سند حق استرداد سند را ندارد. به هر حال استرداد سند دلیل بطلان آن سند نیست.

۳-۴-۱-۱ تکذیب سند و استرداد آن

ارائه کننده سند ممکن است در برابر انکار طرف قرار بگیرد و به خطای خود پی ببرد و یا نخواهد خود را درگیر مسائل رسیدگی‌ها قرار دهد و فوراً سند را مسترد دارد و دلیل دیگری هم برای ادعای او نباشد و دعوی خاتمه یابد.

۳-۴-۲-۱ تکذیب سند و استرداد آن با اقامه دعوی

ارائه کننده سند ممکن است دلایل دیگری برای اثبات دعوی داشته باشد و در مقابل انکار طرف، سند را فوراً مسترد دارد تا بدون اتلاف وقت به سایر دلایل وی رسیدگی و به نفع او حکم داده شود.

۳-۴-۳-عدم حق استرداد سند

اگر سند به نفع طرف مقابل باشد، ابراز کننده سند حق ندارد آن را پس بگیرد و یا از دادگاه درخواست نماید که سند او را کان لم یکن فرض نماید. (ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی)

۳-۴-۴-عدم استرداد سند

ابراز کننده سند به هیچ وجه سند را مسترد نمی‌دارد، در حمایت از آن محکم ایستاده آن را صحیح و صحت آن را قابل احراز می‌داند، در مقابل تکذیب دلیل صحت ارائه می‌کند و در مقابل ادعای جعل هم، انتظار رسیدگی به دلایل جعلیت طرف را دارد. در این مورد است که دادگاه باید به صحت و اصالت سند رسیدگی کند و یک وظیفه مهمی است برای دادگاه، و این رسیدگی باید قبل از توجه به دعوی انجام پذیرد. (مدنی، ۱۳۸۶: ۱۷۳)

۳-۵-دفاع شکلی در برابر اسناد

دو نوع دفاع در مقابل اسناد وجود دارد که نوع اول آن دفاع ماهوی، نوع دوم آن دفاع شکلی است، در این بند آنچه مهم است دفاع شکلی است و به عبارتی می‌توان چنین بیان نمود:

منظور از دفاع شکلی در برابر سند، تعرض به اصالت سند است، بدین معنا که به طور کلی طرفی که سند علیه او مورد استناد قرار گرفته صدور سند از سوی خود یا اگر منتسب به دیگری است مثلاً مورث صدور از سوی منتسب الیه را نمی‌پذیرد و یا آن را ناهمسان با چهره و وصف اصیل آن اعلام می‌نماید. دفاع شکلی با تعرض به

اصالت سند به هر روی تنها تحت عناوین انکار و تردید و ادعای جعلیت سند امکان‌پذیر است.

در تکذیب ادعا مدعی علیه ادعا را مطابق با واقع نمی‌داند و آن را رد می‌کند بنابراین اگر ادعا مستند به دلیل باشد صرف تکذیب آن اثری ندارد و دادگاه به استناد دلیل حکم می‌دهد. اما تکذیب سند عادی دفاعی موثر است، زیرا طرفی را که به آن سند استناد کرده ملزم به اثبات اصالت سند می‌نماید. (شمس، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

۴- وجوه افتراق و اشتراک تکذیب با جعل در حقوق دادرسی مدنی

۴-۱- وجوه افتراق تکذیب با جعل

در مقدمه باید گفت تکذیب اعم است از انکار و تردید بنابراین کسی که در مقابل سند ابرازی انکار یا تردید دارد عبارت: «تکذیب می‌کنم» را به کار می‌برد. به طور کلی این وجوه افتراق بین انکار و تردید با جعل در حقوق دادرسی مدنی از این قرار هستند:

۱- از لحاظ نوع سند ابرازی توسط اصحاب دعوی

۲- از لحاظ ارائه دلیل جهت اثبات اصالت سند ابرازی مورد تعرض قرار گرفته

شده

۳- از لحاظ ارتباط و عدم ارتباط تکذیب دادگاه مدنی با دادگاه جزائی

۴- ارائه دلیل جعلیت و زمان ادعای جعلیت سند

۵- ابلاغ ادعای جعلیت سند و تکلیف تسلیم اصل سند در مهلت

۶- تعیین تکلیف سند مجهول

۷- ممنوعیت دادن روگرفت یا رونوشت سند ابرازی که مورد جعل و یا انکار و

تردید واقع شده (زراعت، ۱۳۸۶: صص ۵۱۲-۵۱۵)

۴-۱-۱- از لحاظ نوع سند ابرازی توسط اصحاب دعوی

پس از شناخت انواع سند از لحاظ ارزش که سند را به دو دسته رسمی و غیررسمی تقسیم می‌نمود. این مهم به دست می‌آید که ادعای جعل نسبت به سند عام است و هم سند رسمی و هم عادی را دربرمی‌گیرد در حالی که تردید و انکار، دایره محدودتری دارند و نمی‌توان آن را در مقابل اسناد رسمی یا اسناد عادی که اعتبار سند رسمی را پیدا کرده‌اند عنوان نمود به عبارتی دیگر کسی که منکر سند رسمی باشد می‌تواند نسبت به آن ادعای جعل کند. (مدنی، ۱۳۸۶: ۱۷۶).

۴-۱-۲- ارائه دلایل جهت اثبات اصالت سند ابرازی مورد تعرض قرار گرفته شده

در ادعای جعل، تکلیف ارائه دلیل یا بار اثبات ادعای جعل بر عهده مدعی جعل است و دارنده سند جنبه دفاعی دارد، در حالی که در تکذیب که اعم از انکار و تردید است صاحب سند مکلف است اصالت آن سند را ثابت کند بنابراین کسی که سند ابرازی علیه خود را ساختگی و جعلی بداند ولی دلایل کافی برای اثبات این جعلیت در اختیار نداشته باشد برای این که بار سنگین دلیل را به عهده طرف بگذارد تکذیب می‌کند، البته این بدان معنی نیست که به علت صعوبت کار، ادعای جعل هیچ وقت پیدا نشود.

بسیار اتفاق می‌افتد که شخص می‌بیند با مهارت و دقت سندی را علیه او جعل کرده‌اند و اگر فقط انکار کند، دارنده سند با توسل به تطبیق خط و امضاء مسلم الصدور اصالت سند را (برخلاف واقع) ثابت می‌نماید در حالی که او مدعی جعل شود گرداننده دادرسی او می‌شود و دلایل مختلف برای اثبات جعلیت سند می‌آورد لذا سلاح ارائه دلیل را خود بدست می‌گیرد. (مدنی، ۱۳۸۶: ۱۸۵)

و از طرفی می‌توان چنین مطرح نمود که جعل ادعاست و هر ادعایی نیازمند اثبات است و طرفی که برخلاف منافع او سند ابراز شده است، شباهت ظاهری امضا سند، خط را با خط و امضای خود تصدیق دارد منتها ادعا می‌کند که آن را برخلاف واقع ساخته‌اند یا برخلاف رضای او گرفته‌اند.

۲۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی در تأیید همین موضوع مدعی مقرر می‌دارد: ادعای جعلیت نسبت به اسناد و مدارک ارائه شده باید برابر ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی با ذکر دلیل اقامه شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۲: شماره ۱۸۰ و ۱۸۱)

۴-۱-۳ از لحاظ ارتباط و عدم ارتباط تکذیب دادگاه مدنی با دادگاه جزائی در مورد تکذیب دادگاه مدنی براساس تعاریفی که از جعل و اقسام جعل و وجود دو جنبه کیفی و حقوقی جعل که ذیلاً اشاره می‌شود باید به این مهم اشاره کرد که تکذیب دادگاه مدنی ارتباطی به دادگاه جزائی ندارد و بر فرض اینکه اگر ادعای جعلیت سند ثابت نگردیده دعوی مدنی صاحب سند محکوم به رد می‌شود در حالی که اگر ادعای جعل شده باشد و دادگاه مدنی قرار جعلیت سند را صادر کند بایستی مراتب را به دادستان اعلام دارد و یک دعوی جزائی هم شروع می‌شود. (جلال الدین مدنی، ادله اثبات دعوا، ۱۳۸۶: ۱۸۵)

جعل دو نوع است مادی و مفادی که در مقررات کیفری با قید مجازات ممنوع گردیده و جرم شمرده می‌شود. جعل مادی یا صوری به تغییرات ظاهری در یک سند با استفاده از روش‌های فیزیکی مانند خراشیدن، تراشیدن و... گفته می‌شود اما جعل مفادی یا معنوی، تغییر مفاد یک سند است، در این نوع جعل بدون ایراد هرگونه خدشه به ظاهر سند یا نوشته، حقیقت در آنها تحریف شده و مطالب منتسب به دیگران به گونه دیگری در آنها منعکس می‌شود (ر.ک: ولیدی، ۱۳۸۶: ۳۳۸؛ شامبیاتی، ۱۳۷۶:

۳/۳۰۶). به هر روی، تعقیب جرایم علی القاعده به عهده دادسرا یا قائم مقام او می‌باشد که می‌تواند با شکایت شاکی آغاز و به هر روی، بر پایه آیین دادرسی کیفری و در مرجع کیفری نسبت به آن رسیدگی و تصمیم‌گیری شود.

روشن است که اگر شخصی ادعا داشته باشد که سندی به زیان او جعل شده و این امر را موضوع شکایت کیفری قرار دهد و یا دادسرا با آگاهی از ارتکاب جعل، فاعل را تحت پیگرد کیفری قرار دهد. رسیدگی و تصمیم‌گیری نسبت به اصالت یا جعلیت سند در مرجع کیفری و طبق آیین دادرسی کیفری به عمل می‌آید و هرگاه دادرسی کیفری به صدور حکم نهایی مبنی بر جعلیت سند بیانجامد، سند مزبور حسب مورد جزئاً یا کلاً اعتبار خود را از دست داده و اگر به استناد آن دعوایی اقامه شده و یا بشود طرفی که سند علیه او ابراز گردیده می‌تواند با ارائه و یا استناد به حکم نهایی مرجع کیفری و تاکید بر جعلی بودن سند یا قسمتی از آن از پیامد حقوقی و رسیدگی به این ادعا که موضوع این بند می‌باشد نمی‌رسد. زیرا دادگاه حقوقی مکلف است از حکم دادگاه کیفری درباره اصالت و یا جعلیت سند پیروی کند. (شمس، ۱۳۹۰: ۱۱۵)

۴-۱-۴-ارائه دلیل جعلیت سند و زمان ادعای جعلیت سند

طبق ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی که مقرر می‌دارد: «ادعای جعلیت نسبت به اسناد و مدارک ارائه شده باید برابر ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی با ذکر دلیل اقامه شود. مگر اینکه ادعای جعلیت بعد از موعد مقرر و قبل از صدور رای یافت شده باشد در غیر این صورت دادگاه به آن ترتیب اثر نمی‌دهد» و باید به این مهم اشاره کرد که در قانون آیین دادرسی مدنی سابق ادعای جعل یا انکار یا تردید باید جلسه اول مطرح می‌شد.

از این رو، در قانون جدید آیین دادرسی مدنی نیز همین امر مورد نظر قانون‌گذار بوده است. اما مقید کردن آن به قید واژه حتی الامکان که در ماده قانون آیین دادرسی مدنی جدید بیان شده است احتمال امکان ادعای جعل بعد از جلسه اول را نیز به ذهن متبادر می‌سازد. (زراعت، ۱۳۸۶: ۵۱۵)

ماده مزبور اجازه داده است که هر گاه دلیل جعلیت پس از موعد مقرر و پیش از صدور رای یافت شده باشد به ادعای جعل که در زمان لازم مطرح شده با توجه به دلایل مزبور رسیدگی شود در حقیقت ماده مزبور تکلیف مدعی جعل در ادعای به موقع آن را نفی نمی‌نماید بلکه اجازه می‌دهد دلایلی که پس از ادعای جعل و پیش از صدور رای یافت شده مورد بررسی قرار گیرد. باید پذیرفت که هر گاه ادعای جعل در زمان قانونی مرحله نخستین طرح شده اما دلیل آن در مرحله تجدید نظر پیش از صدور رای این مرحله نیز یافت شده باشد دادگاه تجدید نظر با احراز این امر باید دلایل را مورد توجه قرار دهد.

ادعای جعل اگر چه موجب می‌شود که بار اثبات جعلیت سند به دوش مدعی جعل نهاده شود، اما در برابر، این امتیاز را دارد که ابتکار عمل در برگزیدن شیوه اثبات جعلیت دلیل آن را علی القاعده به مدعی جعلیت می‌دهد. (شمس، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

۴-۱-۵-۱-بلاغ ادعای جعلیت سند و تکلیف به تسلیم اصل سند در مهلت گفته شد که در صورت انکار و تردید اصل سند عادی باید در همان جلسه به دادگاه ارائه شود در غیر این صورت ضمانت اجراهای سنگینی به ابراز کننده تحمیل می‌شود. اما در ادعای جعل چنین نیست.

در حقیقت به موجب ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی، ادعای جعلیت و دلایل آن به دستور دادگاه به طرف مقابل ابلاغ می شود در صورتی که طرف به استفاده از سند باقی باشد، موظف است ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ، اصل سند موضوع ادعای جعل را به دفتر دادگاه تسلیم نماید. مدیر دفتر پس از دریافت سند آن را به نظر قاضی دادگاه رسانیده و دادگاه آن را فوری مهر و موم می نماید. و تبصره این ماده می گوید: «در موارد که وکیل یا نماینده قانونی دیگری در دادرسی مداخله داشته باشد چنانچه دسترسی به اصل سند نداشته باشد حق استمهال دارد و دادگاه مهلت مناسبی برای ارائه اصل سند به او می دهد». (زراعت، ۱۳۸۶: ۵۱۶)

بنابراین این اشخاص می توانند پیش از پایان مهلت ده روزه مزبور درخواست نمایند که مهلت مزبور تمدید شود. قسمت پایانی متن ماده مزبور ضمانت اجرای عدم تسلیم اصل سند در موعد مقرر را پیش بینی کرده است.

نصّ مزبور می گوید: «چنانچه در موعد مقرر صاحب سند از تسلیم آن به دفتر خودداری کند، سند از عداد دلایل خارج خواهد شد». هر گاه سندی از شمار دلایل خارج شود و ادعا مستند به دلیل دیگری نباشد ادعا به علت نبودن دلیل محکوم به بطلان خواهد گردید و در نتیجه اگر صاحب سند خواهان باشد در آن قسمت دعوا محکوم به بی حقی می شود و اگر خواننده باشد محکوم علیه قرار خواهد گرفت.

۴-۱-۶- تعیین تکلیف سند مجعول

دادگاه مکلف است ضمن صدور حکم راجع به ماهیت دعوا نسبت به سندی که در مورد آن ادعای جعل شده است تعیین تکلیف نموده اگر آن را مجعول تشخیص ندهد، دستور تحویل آن را به صاحب سند صادر نماید و در صورتی که آن را مجعول بداند تکلیف اینکه باید تمام سند از بین برده شود و یا قسمت مجعول در روی سند

ابطال گردد یا کلماتی محو یا تغییر داده شود تعیین خواهد کرد. اجرای رای دادگاه در این خصوص منوط است به قطعی شدن حکم دادگاه در ماهیت دعوا و گذشتن مدت درخواست تجدید نظر یا ابرام حکم در مواردی که قابل تجدید نظر می‌باشد و در صورتی که وجود اسناد و نوشتجات راجع به دعوای جعل در دفتر دادگاه لازم نباشد، دادگاه دستور اعاده اسناد و نوشته‌ها را به صاحبان آنها می‌دهد.

موارد فوق، پیشتر، در ماده ۳۷۸ قانون آیین دادرسی مدنی بیان شده بود افزون بر اینکه اجرای رای دادگاه در مورد تکلیف سند بر عهده دادگاهی گذاشته شده بود که آخرین حکم قطعی را صادر کرده و با حضور دادستان به عمل می‌آمد. تعیین تکلیف سندی که در مورد آن ادعای جعل شده منوط به آن است که مدعی جعل به مفاد ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی عمل کرده باشد.

از ظاهر ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی چنین استنباط می‌شود که تکلیف سندی که نسبت به آن ادعای جعل شده است در صورتی تعیین می‌شود که دادگاه وارد رسیدگی ماهوی شده و حکم صادر کند، بنابراین چنانچه قرار شکلی صادر کند، متعرض اصالت یا بطلان سند نخواهد شد. در صورت صدور قرار باید سند را به صاحب آن مسترد کرد هر چند قرار قطعی نشده باشد. (زراعت، ۱۳۸۶: ۵۱۷) ترتیبات فوق مختص ادعای جعل بوده و در انکار و تردید این ترتیبات رعایت نمی‌شود یعنی صرف اینکه انکار و تردید مختص سند عادی است. لیکن حتی در صورت عدم اثبات اصالت سند اصل سند اگر در اختیار دادگاه قرار گرفته باشد به صاحب سند پس داده می‌شود ولی در ادعای جعل زمانی که صاحب سند پس داده می‌شود که سند مجعول تشخیص داده نشود. (شمس، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

۴-۱-۷- ممنوعیت دادن روگرفت یا رونوشت سند ابرازی که مورد جعل یا انکار و تردید واقع شده

کارمندان دادگاه مجاز نیستند تصویر یا رونوشت اسناد و مدارکی را که نسبت به آنها ادعای جعلیت شده مادام که به موجب حکم قطعی نسبت به آنها تعیین تکلیف نشده است، به اشخاص تسلیم نمایند، مگر با اجازه دادگاه که در این صورت نیز باید در حاشیه آن تصریح شود که نسبت به این سند ادعای جعلیت شده است. تخلف از مفاد فوق مستلزم محکومیت از سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی خواهد بود.

به ظاهر منظور از کارمندان دولت کارمند اداری است که شامل کارمندان دادگاه تجدید نظر نیز می‌شود. بنابراین دادرس دادگاه، مشمول ممنوعیت مذکور در این ماده نیست. کلمه اشخاص نیز مطلق است و شامل ابراز کننده‌ی سند نیز می‌شود. بنابراین دادن تصویر یا رونوشت به صاحب سند نیز ممنوع است. همچنین اطلاق تصویر یا رونوشت شامل تصویر یا رونوشت غیرمصدق نیز می‌شود. عدم تصریح در حاشیه سند در مواردی که دادن سند ممنوع نیست نیز مشمول ضمانت اجرای قسمت ذیل ماده ۲۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد، اجازه دادگاه باید مکتوب بوده و در پرونده ضبط شود. (زراعت، ۱۳۸۶: ۵۱۸).

ممنوعیت فوق الذکر تنها اسناد مورد ادعای جعل اعم از رسمی، عادی و در حکم سند رسمی را دربر می‌گیرد و شامل اسنادی که مورد انکار یا تردید قرار گرفته نمی‌شود البته صرف ادعای جعل نسبت به سند و حتی با طرح شکایت کیفری جعل آن را از اعتبار نمی‌اندازد.

۴-۲- وجوه اشتراک تکذیب با جعل

همانگونه که ذکر شد بین انکار و تردید و جعل تفاوت‌هایی وجود دارد ولی این تفاوت‌ها به طور کلی تشابه سه امر انکار، تردید، جعل را نفی نمی‌کنند و از این منظر اشتراکات این سه امر عبارتند از:

۱- هر سه مورد انکار و تردید و جعل از راه های تعرض به اصالت سند ابرازی می‌باشد.

۲- زمان طرح ادعای جعل با لحاظ برخی ویژگی‌ها همان است که در انکار و تردید بیان شده است.

۳- شرایط رسیدگی به اصالت سند در صورت صدور قرار رسیدگی به اصالت

سند

۴-۲-۱- از موارد تعرض به اصالت سند

وقتی خواننده دعوی در برابر دعوای اقامه شده علیه خود به اقامه دلایل پرداخته و به اصطلاح دفاع ماهوی می‌کند، دفاع به معنای اخص، نامیده می‌شود ولی به تمام موارد دفاع اعم از اینکه خواننده به دفاع بپردازد یا به ایرادات متوسل شود یا به اقامه دعوی تقابل بپردازد اصطلاحاً دفاع به معنای اعم، گفته می‌شود. بنابراین ملاحظه می‌شود که دفاع خود اهمیتی در حد و اندازه دعوی دارد، زیرا اگر در برابر دعوای اقامه، دفاع نشود و یا وسیله دفاعی مناسب از میان وسایل متعدد که قبلاً اشاره شده انتخاب نشود، چه بسا که خواننده دعوی بدون جهت و برخلاف حق محکوم شود.

دلایل توسط قانون‌گذار به لحاظ ترتیب اهمیت ذکر شده و سند به عنوان یکی از این دلایل، شناخته شده و احصا گردیده که این دلیل یعنی سند باید با یکی از وسایل اثبات همخوانی نماید. (واحدی، ۱۳۸۰: ۱۲۳).

با ملاحظه بیانات فوق باید این امر مهم را بیان کرد که یکی از طرفین دعوی که سندی علیه او اقامه شده هر گاه سند را اصیل بداند معمولاً دفاع ماهوی خود را در برابر سند مطرح می‌نماید و اگر سند را اصیل نداند حتی در مرحله اثبات و نه صرفاً مرحله ثبوت معمولاً دفاع شکلی در برابر سند را انتخاب و در این راه با بررسی جوانب امر یا نسبت به سند ادعای جعل و یا حسب مورد انکار یا تردید می‌نماید. با این حال افزون بر آنکه ادعای جعل و انکار و تردید می‌تواند هم زمان و یا به گونه پیاپی مطرح شوند، تعرض به اصالت سند {دفاع شکلی} و دفاع ماهوی نیز می‌تواند همزمان و یا به گونه پیاپی مطرح شوند. در هر یک از موارد مزبور بررسی می‌شود که دادگاه به کدام یک از حالات و دفاعیات باید رسیدگی کند. (شمس، ۱۳۹۰: ۱۲۲)

۴-۲-۱-۱- جمع و تقابل ادعای جعل با انکار و تردید

برای یافتن راه حلی مناسب بهتر است موضوع بحث در دو فرض ترتب و توام

عنوان های جعل و انکار و تردید مطرح شود:

۱- ترتب جعل و انکار و تردید: مقصود از ترتیب دو عنوان، اشاره به فرضی است که ادعای جعل و انکار در یک زمان و با هم عنوان نمی‌شود. یکی از دو عنوان طرح و رسیدگی می‌شود و پس از آن عنوان دیگر موضوع بحث قرار می‌گیرد و پذیرش این دفاع و امکان جمع آن با دفاع پیشین مطرح می‌شود. حکم ماده ۲۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی ناظر به همان پرونده و دعوا است، ولی اگر خواننده در دعوای دیگری ادعای جعل نسبت به سند کند و توفیق نیابد، به انکار و تردید او باید رسیدگی شود. به‌ویژه اگر ادعا همراه با تعیین جاعل باشد و متهم به دلیل کافی نبودن دلیل تبرئه می‌شود. دیوان عالی کشور بارها اعلام کرده است که: عدم اثبات جعلیت سند مستلزم

صحت و اعتبار آن نخواهد بود و در احکام دیگر آمده است: در صورتی که حکم دیوان جنایی بر تبرئه متهم به جعل سند از لحاظ عدم کفایت ادله جعل صادر شده باشد، چون دادگاه مزبور حکم به اصالت سند نداده است مطابق ماده ۳۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی، دادگاه حقوقی باید به این موضوع رسیدگی نماید.

۲- توام بودن جعل و انکار و تردید: ادعای جعل همراه با انکار و تردید ایراد حرفه‌ای نیست و از سوی وکلای دادگستری و مشاوران کارآمد عنوان نمی‌شود ولی در لوایحی که دو طرف دعوا به دادگاه می‌فرستند یا کاغذنویسان تنظیم کنند بارها دیده شده است که انکار و تردید و جعل با هم عنوان می‌شود و گاه دادرس را به این تردید می‌اندازد که مقصود جعل است یا انکار و خواننده را باید در مقام مدعی نشانند یا منکر؟

در هر حال اگر احراز شود که دفاع کننده هر دو عنوان جعل و انکار را در مقصود دارد، از مفاد ماده ۲۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی چنین استنباط می‌شود که باید به ادعای جعل رسید و مدافع را در جای مدعی نشانند زیرا وقتی که در تاخر ادعای جعل از انکار یا تردید باید تنها به ادعای جعل رسید. اگر نگوییم اولی است که در صورت همزمان نیز همین ترتیب رعایت شود دست کم این نتیجه به دست می‌آید که در فرض برخورد دو ادعا در هر حال رسیدگی به ادعای جعل را مقدم می‌دارد. این استنباط با اصول رسیدگی نیز سازگارتر است زیرا معنی ادعای جعل این است که از راه حيله و عدوان خط و مهر و امضای مرا ساخته‌اند؛ ادعایی که با انکار و تردید ساده به نتیجه مطلوب نمی‌رسد و باید اثبات شود. پس ادعای جعل متضمن نفی کارایی انکار و رسیدگی به اصالت و هدایت مدعی است.

۴-۲-۱-۲-تعارض ادعای جعل و پرداخت دین

ادعای جعل نیز مانند انکار و تردید به معنی انکار اصالت سند است و با ادعای پرداخت وجه سند که به ظاهر نشان از پذیرش اصالت دارد قابل جمع نیست ماده ۲۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی که در بند ۲ این تعارض و نتیجه آن را بیان می‌کند:

«در صورتی که ادعای جعل یا اظهار انکار و تردید نسبت به سند شده باشد، دیگر ادعای پرداخت وجه آن سند یا انجام هر نوع تعهدی نسبت به آن پذیرفته نمی‌شود و چنانچه نسبت به اصالت سند همراه با دعوی پرداخت وجه آن سند یا انجام هر نوع تعهدی نسبت به آن پذیرفته نمی‌شود و چنانچه نسبت به اصالت سند همراه با دعوی پرداخت وجه یا انجام تعهد تعرض شود، فقط به ادعای پرداخت وجه یا انجام تعهد رسیدگی خواهد شد و تعرض به اصالت قابل رسیدگی نمی‌باشد». (شمس، ۱۳۹۰: ۱۲۳)

در این بند که با اندک تغییر از قانون آیین دادرسی گرفته شده، نتیجه قابل جمع نبودن انکار اصالت و ادعای پرداخت در ۲ فرض پیش‌بینی شده است.

فرض اول: فرضی که ادعای جعل یا اظهار تردید و انکار مقدم بر ادعای پرداخت است، که نتیجه آن پذیرفته نشدن ادعای پرداخت است، بدین دلیل که دفاع نخستین ملازمه با نفی دفاع دوم دارد.

فرض دوم: فرضی که دو دفاع با هم انجام می‌شود که تنها دادگاه به ادعای پرداخت می‌رسد و تعرض به اصالت را نادیده می‌گیرد. زیرا ظاهر این است که مدعی پرداخت اصالت سندی را که اجرا کرده پذیرفته است ولی فرضی را که خواننده در آغاز مدعی پرداخت می‌شود سپس به جعل و انکار روی می‌آورد پیش‌بینی نمی‌کند و به نظر می‌رسد که خواننده با ادعای پرداخت وجه به طور ضمنی به اصالت اقرار کرده و دیگر نمی‌تواند اصالت پذیرفته شده را انکار کند. در فرض ترتب ادعای جعل و

پرداخت، هر ادعا مقدم شود، ادعای موخر را نفی می‌کند و در فرض تقارن دو ادعا، رسیدگی به ادعای پرداخت مقدم است. (قانون آیین دادرسی مدنی، ۱۳۸۶)

۴-۲-۲- زمان طرح ادعای جعل و انکار و تردید

طبق ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی اظهار انکار و تردید نسبت به دلایل و اسناد ارائه شده حتی الامکان باید تا اولین جلسه دادرسی به عمل آید و چنانچه در جلسه دادرسی منکر شود و یا نسبت به صحت و سقم آن سکوت نماید حسب مورد آثار انکار و سکوت بر او مترتب خواهد شد. در مواردی که رای دادگاه بدون دفاع خواننده صادر شود خواننده ضمن واخواهی از آن انکار یا تردید خود را به دادگاه اعلام می‌دارد. نسبت به مدارکی که در مرحله واخواهی مورد استناد واقع می‌شود نیز اظهار تردید یا انکار باید تا اولین جلسه دادرسی بعمل آید. و طبق ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی ادعای جعلیت نسبت به اسناد و مدارک ارائه شده باید برابر ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی با ذکر دلیل اقامه شود مگر اینکه دلیل ادعای جعلیت بعد از موعد مقرر و قبل از صدور رای یافت شده باشد در غیر این صورت دادگاه به آن ترتیب اثر نمی‌دهد. رویه غالب بر آن است که اظهار انکار و تردید و ادعای جعل بایستی در اولین جلسه دادرسی به عمل آید مگر آنکه سبب آن بعداً حادث شود. و تشخیص آن در این خصوص با نظر دادگاه است. همچنین گفته شده است:

۱- چنانچه خواننده بدون تعرض به اصالت مدرک سندی، در ماهیت دعوا دفاع

نماید، دیگر انکار یا تردید یا جعلیت نسبت به آن مسموع نخواهد بود.

۲- چنانچه خواننده ضمن تعرض به اصالت مدرک سندی، در ماهیت دعوا دفاع

نماید طبق مقررات ۲۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی تعرض به اصالت سند قابل

رسیدگی نیست.

۳- اگر چه اصل این است که اظهار انکار یا تردید یا ادعای جعلیت باید تا اولین جلسه رسیدگی بعمل آید ولی از کلمه حتی الامکان در ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی چنین مستفاد است که این موارد در صورتی که بعد از جلسه اول هم مطرح شود قابل رسیدگی است. (مجموعه نشست های قضایی، مسائل قانون آیین دادرسی مدنی به نقل از: زراعت، ۱۳۸۶: ۵۱۲).

۳-۲-۴- مقررات مشترک بین ادعای جعل با انکار و تردید در خصوص رسیدگی به اصالت سند
 اگر کسی نسبت به سند ابرازی طرف مقابل خویش اعم از اینکه سند عادی باشد یا رسمی، تعرض نماید. این تعرض می تواند در قالب انکار و تردید یا ادعای جعلیت سند باشد از این رو دادگاه تحت شرایطی که در جای خود بررسی شده به اصالت سند رسیدگی می کند. نحوه تشخیص اصالت سند یا عدم اصالت سند در مواد ۲۲۳ تا ۲۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی تشریح شده است.

۳-۲-۴-۱- شرایط رسیدگی

دادگاه در صورتی رسیدگی به اصالت سند را آغاز می نماید که نسبت به اصالت آن تعرض شده و این تعرض در زمان مقرر قانونی و با به کارگیری عنوان متناسب بعمل آمده باشد. رسیدگی به اصالت سند مورد تعرض مستلزم این است که استناد کننده به آن حسب مورد اصل آن را در زمان مقرر در دادگاه حاضر نموده و یا به دفتر دادگاه تسلیم نماید.

افزون بر آن استناد کننده به سند باید در پی تعرض به اصالت سند به استفاده از آن باقی بماند و در نتیجه اگر آن را استرداد نماید رسیدگی به اصالت سند به علت

خارج شدن آن از عداد دلایل، سالبه به انتفاء موضوع می شود. حتی در صورتی که تمامی شرایط مزبور فراهم باشد دادگاه در صورتی به اصالت سند رسیدگی می کند که سند مورد تعرض در دعوا موثر باشد. (شمس، ۱۳۹۰: ۱۲۴)

۴-۲-۳-۲-۴ احراز و اعلام شرایط با صدور قرار رسیدگی به اصالت سند در پی تعرض اصالت سند باید ابتدا شرایطی که در بند قبلی مورد اشاره قرار گرفت مورد بررسی قرار گیرد و در صورتی که دادگاه تمامی آنها را احراز نماید، باید با اعلام این امر رسیدگی به اصالت سند را آغاز کند. در غیر این صورت بدون توجه به تعرض، رسیدگی به دعوا را ادامه داده و در رای صادر مستدلاً علت عدم رسیدگی به اصالت سند که نبودن هر یک از شرایط یاد شده می باشد را اعلام نماید. وجود شرایط رسیدگی معمولاً صریحاً اعلام نمی شود. بلکه دادگاه احراز آنها را با اعلام تصمیم خود به رسیدگی به اصالت سند اعلام می کند و آن را قرار رسیدگی به اصالت سند می نامند. که به هر روی از قرارهای اعدادی شمرده می شود.

۴-۲-۳-۳-۴ راه های تشخیص اصالت سند

در قانون جدید آیین دادرسی مدنی راه های رسیدگی به اصالت سند در مواد ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۶ پیش بینی شده است که در این خصوص تفاوتی بین نوع تعرض وجود ندارد. بدین بیان که با چشم پوشی از اینکه نسبت به سند ادعای جعل، انکار یا تردید شده باشد برای تشخیص اصالت سند مقررات مواد مزبور اجرا می شود. راه های تشخیص اصالت سند در زیر بررسی می شود.

۴-۲-۳-۱- تطبیق مفاد سند با اسناد و دلایل دیگر

اولین راهی که برای تشخیص اصالت سند مورد تعرض باید مورد توجه قرار گیرد تطبیق مفاد این سند با اسناد و دلایل دیگر است. خواننده به اصالت سند تعرض می نماید، برای تشخیص اصالت سند از این راه به سند یا دلیل دیگری توجه می شود که مفاد سند مورد تعرض یعنی خرید مال مزبور را تأیید می نماید.

همانگونه که دیده می شود دادگاه به امضای زیر سند و این امر که با امضا واقعی فروشنده انطباق دارد یا ندارد توجه نمی نماید. این راه مطمئن ترین راهی است که دادگاه را به واقع رهنمون می سازد. زیرا این احتمال وجود دارد که فروشنده با امضای واقعی و همیشگی خود سند را امضاء نکرده باشد. در نتیجه اگر با امضای وی در اسناد مسلم الصدور تطبیق داده شود به علت عدم انطباق سند مورد تعرض برخلاف واقع غیراصیل شمرده می شود. برای تطبیق مفاد سند متنازع فیه با مفاد اسناد دیگر باید اسنادی برگزیده شود که صحت مفاد آن ثابت و یا مورد اعتراض طرفی باشد که به اصالت سند تعرض نموده است. (شمس، ۱۳۹۰: ۱۲۵).

۴-۲-۳-۲- تحقیق از گواهان

تحقیق از گواهان و مطلعین که از شهادت و اطلاعات آنان بتوان صحت یا عدم صحت سند را تشخیص داد برابر ماده ۳۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی که در سند گواهی نوشته و یا اشخاصی که نوشته شدن سند متنازع فیه و یا امضا و مهر شدن سند را دیده اند و همچنین اشخاصی که از اطلاعات آنها می توان کشف حقیقت نمود احضار شده و پس از التزام آنها به صحت گواهی، اظهاراتشان استماع می شود. (مدنی، ۱۳۸۶: ۱۸۶)

۴-۲-۳-۳-۳-تطبیق سند مورد ایراد با اصل سند

تطبیق خط و امضاء سند متنازع فیه با خط و امضای اسنادی که اصالتشان ثابت و معتبر است و دقت در خط و امضا و مهر سند از حیث تراشیدگی و امثال آن، بنابراین در مورد تطبیق خط و امضاء یا مهر یا اثر انگشت نوشتجاتی اساس تطبیق قرار داده می شوند که طرفین در انتخاب آنها موافق باشند و در صورت عدم توافق طرفین نوشتجات زیر اساس تطبیق قرار داده می شوند.

۱-خط، امضا یا اثر انگشت که در اوراق راجع به دعاوی در دادگاهها تنظیم شده

باشد.

۲-خط یا امضاء یا اثر انگشت زیر اسناد رسمی یا دفاتر اسناد رسمی.

۳-خطوط یا امضاء اشخاص رسمی، نوشتجات رسمی، اشخاصی که سمت رسمی

دولتی را دارا می باشند، معمولاً به مناسبت انجام وظیفه اسنادی را تنظیم و یا امضا می کنند که خطوط و امضا آنها در این قبیل اسناد مسلم الصدور است و می توان بعنوان اساس تطبیق از آن استفاده کرد.

۴-اسناد عادی که قبلاً به صحبت خط یا امضاء یا مهر یا اثر انگشت آنها اعتراض

شده باشد. در صورتی که یک قسمت از سند مورد اختلاف و قسمت دیگر آن از حیث خط مسلم باشد دادگاه می تواند همان قسمت را اساس تطبیق قرار دهد. طبق ماده ۳۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی خط، مهر، امضاء یا اثر انگشت اسناد عادی را که انکار یا تردید نسبت به آن ادعای جعل شده باشد نمی توان اساس تطبیق قرار داد هر چند

صحت آن در نتیجه تطبیق معلوم شده باشد. (مدنی، ۱۳۸۶: ۱۸۷)

۴-۲-۳-۴- استکتاب از صاحب خط و امضاء

مراد از استکتاب، درخواست کتابت از نویسنده یا امضاء سند متسبب به اوست. اگر کسی که خط یا امضا یا اثر انگشت سند به او نسبت داده شده در حال حیات باشد ممکن است که او را برای استکتاب احضار نموده عدم حضور یا امتناع از کتابت بدون عذر موجه را در این مورد دادگاه می‌تواند قرینه بر صحت سند قرار دهد. در دادگاه‌ها غالباً از همین طریق، برای اثبات اصالت سند استفاده می‌شود. وقتی که خواننده دعوی مستند خواهان را مورد انکار قرار می‌دهد دلیل اصالت سند تطبیق خطف امضا خواننده اعلام و بنابراین شخص خواننده جهت استکتاب دعوت می‌گردد و وقتی که در این مرحله قرار می‌گیرد از حضور برای استکتاب امتناع می‌ورزد و همین امتناع را دادگاه قرینه ای به صحت و اصالت سند تلقی می‌نماید. (مدنی، ۱۳۸۶: ۱۸۸)

۴-۲-۳-۵- تکلیف دادگاه برای خواستن اساس تطبیق

در بسیاری از موارد دسترسی به اساس تطبیق با اشکال مواجه نمی‌شود مثلاً وقتی که خواهان اساس تطبیق را تسلیم می‌نماید و از جانب خواننده به آن ایرادی نشود، یا وقتی که اساس تطبیق یک قسمت از همان سندی است که مورد اختلاف می‌باشد در چنین مواردی اشکال موجود نیست ولی مواردی است که اساس تطبیق در یکی از ادارات یا بانک‌ها و نظایر آن است تکلیف این قبیل موارد را ماده ۳۹۹ به این شرح روشن کرده است: «اگر برگ‌ها و نوشتجاتی که باید اساس تطبیق واقع شود در یکی از ادارات و شهرداری‌ها و یا موسسات که با سرمایه دولت تاسیس شده است باشد به استناد بانک‌ها باید برگ‌های مذکور را به محل تطبیق بیاورند اداره یا موسسه مزبور به قید مسئولیت مکلف است که امر دادگاه را در این باب مجری دارد مگر این که ابراز برگ‌ها و نوشتجات منافی مصالح سیاسی کشور یا انتظامات عمومی باشد که در این

صوت اداره یا موسسه مزبور باید پاسخ منفی را با توضیح به دادگاه فرستاد و رونوشت آن را برای دادستان شهرستان آن حوزه ارسال دارد در این صورت دادستان پس از رسیدگی وزارت دادگستری را از مراتب مطلع و چنانچه وزارت دادگستری موافقت نمود جواز عدم ابراز برگ ها و نوشتجات محرز خواهد شد و الا باید سند ابراز شود و کسی که مسئولیت عدم ابراز برگ ها و نوشتجات با وجود لزوم آوردن آنها متوجه اوست از خدمت منفصل خواهد شد.

در این قسمت باید توجه داشت که معافیت بانک ها در عدم ارسال اساس تطبیق، مطلق نیست اولاً اگر بانکی حاضر شد که براساس تقاضای یکی از اصحاب دعوی اساس تطبیق را به دادگاه بیاورد منعی برای تطبیق وجود ندارد ثانیاً در مواردی که طرف دعوی خود بانک باشد و تکلیف ارائه دلیل را قانوناً به عهده داشته باشد باید اساس تطبیق که احتمالاً در بانک است بیاورد و بانک نمی تواند از ابراز آن خودداری کند.

۴-۲-۳-۶- استفاده از نظر کارشناس در تطبیق

ماده ۲۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی درباره جلب نظر کارشناس در تمیز اصالت سند مقرر کرده است: {دادگاه موظف است در صورت ضرورت، دقت در سند، تطبیق خط، امضاء، اثر انگشت یا مهر سند را به کارشناس رسمی یا اداره تشخیص هویت و پلیس بین الملل که مورد وثوق دادگاه باشند، ارجاع نماید. اداره تشخیص هویت و پلیس بین الملل هنگام اعلام نظر به دادگاه ارجاع کننده، باید هویت و مشخصات کسی را که در اعلام نظر دخالت مستقیم داشته باشد، معرفی نماید. شخص یاد شده از جهت مسئولیت و نیز موارد رد، در حکم کارشناس رسمی می باشد.

نتیجه

در حقوق موضوعه کشور ما قانون گذار در قانون آیین دادرسی مدنی در فصل دهم با عنوان رسیدگی به دلایل و احکام هر یک از آنها ادله اثبات را مطرح نموده که سند نیز یکی از ادله اثبات شناخته شده است. همچنین در کتب دیگر و قوانین دیگر مبحث سند توسط مقنن بیان گردید که یکی دیگر از این قوانین که سند را بیان نمود قانون ثبت و قانون مدنی است.

بازتابی که گاهی در شکل اعتراض ظاهر گردید، به همین مناسبت بود که در پس پرده مطالعه سند بعنوان یکی از ادله اثبات دعوی در محاکم در صدد آن شدیم که نشان دهیم چگونه این سیر دگرگونی‌ها روند عادی به خود گرفته و تحولات اجتماعی آثار خود را در این رشته از علم حقوق به تدریج به جای می‌گذارند.

سند بعنوان یکی از ادله اثبات دعوا در حقوق موضوعه مورد قبول واقع شده است و اعم از عادی و رسمی است و اینکه باید بیان کرد هر سندی که واجد شرایط مقرر در ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی باشد رسمی است و در غیر این صورت عادی می باشد و باید ذکر نمود که اسناد رسمی نسبت به اسناد عادی دارای امتیازاتی همچون از حیث قدرت اجرایی و از حیث اعتبار و از حیث اعتبار رونوشت و از حیث دفاع شکلی در برابر اسناد می باشند.

در نتیجه باید به این مهم اشاره نمود که وجوه افتراق و اشتراکات بین انکار و تردید و جعل وجود دارد، که وجوه افتراق آنها از این قرارند:

از لحاظ سند ابرازی که می تواند اعم از رسمی و عادی باشد، از لحاظ ارائه دلیل جهت اثبات اصالت سند ابرازی مورد تعرض قرار گرفته، از لحاظ ارتباط و عدم ارتباط تکذیب دادگاه حقوقی با دادگاه کیفری، ارائه دلیل و زمان ادعای جعلیت سند، ابلاغ

دلیل جعلیت سند و تکلیف تسلیم اصل سند در مهلت، تعیین تکلیف سند مجعول، ممنوعیت به دادن روگرفت یا رونوشت سنئ ابرازی که مورد تعرض واقع شده است. و جوه اشتراک انکار و تردید با جعل از این قرارند:

انکار و تردید و جعل از موارد تعرض به اصالت سند بوده، زمان طرح آنها با بیان برخی ویژگی‌ها یکی می‌باشد، و شرایط رسیدگی به اصالت سند در صورت صدور قرار رسیدگی به اصالت سند در انکار و تردید و جعل مشترک است.

منابع

کتاب فارسی

قرآن مجید

- امامی، حسن (۱۳۸۵)؛ حقوق مدنی، جلد ۶، انتشارات اسلامیه.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ ۲، تهران، بی تا.
- _____ (۱۳۹۰)؛ مبسوط ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش.
- حقیقت، علی (۱۳۹۱)؛ حقوق ثبت اسناد در ایران، انتشارات گنج دانش.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)؛ لغتنامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زراعت، عباس (۱۳۸۶)؛ محشای قانون آیین دادرسی مدنی، انتشارات ققنوس، تهران.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۶)؛ حقوق کیفری اختصاصی، تهران: ژوبین.
- شایگان، علی (۱۳۳۹)؛ حقوق مدنی، تهران، انتشارات چاپخانه رنگین.

- شمس، عبدالله (۱۳۹۰): *ادله اثبات*، تهران، انتشارات دراک.
- صدرزاده افشار، محسن (۱۳۶۹): *ادله اثبات دعوا*، چاپ اول، مرکز نشر دانشگاهی تهران.
- _____ (۱۳۷۹): *آئین دادرسی مدنی و بازرگانی دادگاه‌های عمومی و انقلاب*، چاپ پنجم، جهاد دانشگاهی، تهران.
- علامه حائری، علی (۱۳۵۱): *بایگانی اسناد و مدارک اداری در روش تلفیقی*، تهران، بی نا.
- عمید، حسن (۱۳۹۰): *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: امیرکبیر.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷): *ادله اثبات دعوی*، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- _____ (۱۳۹۰): *قانون مدنی در نظم کنونی*، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- متین دفتری، احمد (۱۳۸۱): *مجموعه روبه قضایی بخش حقوقی از ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۰*، تهران: رهام.
- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۸۶): *ادله اثبات دعوا*، تهران: انتشارات پایدار.
- مشیری، مهشید (۱۳۷۸): *نخستین فرهنگ زبان فارسی النبایی-قیاسی*، تهران: سروش.
- واحدی، قدرت‌الله (۱۳۸۰): *بایسته‌های آیین دادرسی مدنی*، تهران، انتشارات نشر میزان.
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۶): *حقوق کیفری اقتصادی*، تهران: میزان.

مقالات

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲): *مقاله ادعای جعل*، مفهوم و اقسام جعل، مجله کانون وکلا، شماره ۱۸۰ و ۱۸۱.

قوانین

- قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹
- قانون ثبت مصوب ۱۳۱۰ قانون ثبت مواد ۴۶ و ۴۷
- قانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۱۳۵۴، تیرماه ۲۵
- قانون مدنی ایران مصوب ۱۳۰۷ پاره‌ای از مواد مرتبط به ادله اثبات